

عوامل جریان تاریخی سنت هلاک در قرآن با استفاده از روش تحلیل مضمون

هادی بیاتی^۱

محمد حسین کاظمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹، صفحه ۳۶ تا ۵۸ (مقاله پژوهشی)

چکیده

رخدادهای تاریخی مربوط به اقوام گذشته که در قرآن کریم آمده نشان از سنت‌های الهی حاکم بر جامعه دارند. یکی از مهم‌ترین این سنت‌ها که آیات زیادی به آن اختصاص یافته سنت هلاک است. به جریان افتادن این سنت معلول عواملی است که ارتباط زیادی با رفتار انسان داشته و شناخت آن عوامل می‌تواند باعث نجات جامعه از نابودی شود و در عین حال گرایش به معنویت و حرکت به سوی تمدن مطلوب را به ارمغان آورد. پژوهش حاضر با هدف کشف این علل، روشن‌ترین آیات مربوط به آن را گردآوری و داده‌های لازم را از آن‌ها استخراج نموده و با استفاده از روش تحلیل مضمون به تحلیل و سازماندهی آن‌ها می‌پردازد. در این تحقیق مضامین پایه‌ای، سازمان دهنده و فراگیر با استفاده از روش تحلیل مضمون به دقت روشن شد و به صورت نقشه‌های شبکه‌ی تارنما درآمد که در نهایت یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که آگاه‌سازی جامعه توسط فرستادگان الهی برای هدایت مردم و نجات افراد هدایت شده، سرپیچی از تعالیم فرستادگان الهی و مبارزه با آنان، فراگیر شدن ظلم و گناه در جامعه، وقوع هلاک در زمان مقرر بدون اطلاع دقیق مردم علل اصلی و مرکزی جریان سنت هلاک است.

کلیدواژه‌ها: سنت‌های الهی، سنت هلاک، قرآن، روش تحلیل مضمون.

۱. استادیار تاریخ، گروه معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، ایران: H.bayati@umz.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول):

kmohamadhosein@ymail.com

درآمد

تعالیم اسلام مجموعه‌ای از ضوابطی را به ما می‌آموزد که تحت عنوان سنت‌های الهی شناخته می‌شوند. این سنت‌ها به مثابه روش‌هایی برای تدبیر امور جهان است که توسط خداوند در قرآن بیان شده که گاهی در قالب بیان سرگذشت تاریخی برخی اقوام و تمدن‌ها و حوادثی که برای آنان به وقوع پیوسته در اختیار ما قرار گرفته است. برخی از این حوادث به گونه‌ای است که اگر مقدمات آن در هر زمانی فراهم شود آن حوادث قابل تکرار هستند. این رویه که از آن به سنت‌های الهی تعبیر می‌شود، در واقع قوانین پروردگار برای اداره‌ی جامعه‌ی انسانی است و نقش مهمی در تغییر و دگرگونی و حرکت جوامع انسانی دارد. آگاهی از این سنت‌ها و عوامل جریان آن، علاوه بر معرفت افزایی مسلمانان از تدابیر خداوند می‌تواند عاملی موثر برای به حرکت درآوردن افراد جامعه به صورت شخصی و جمعی باشد تا در پرتو این آگاهی از لغزشگاه‌ها پرهیز و فرصت‌های سعتمندی را مغتنم شمارند و در مسیر رسیدن به جامعه مطلوب خداوند قدم برداشته و رستگار شوند.

طرح مسأله

در قرآن کریم از سرگذشت تاریخی برخی اقوام و تمدن‌ها و حوادثی که برای آنان رخ داده، سخن به میان آمده است. برخی از این حوادث به گونه‌ای است که اگر مقدمات آن در هر زمانی فراهم شود آن حوادث قابل تکرار هستند. این رویه که از آن به سنت‌های الهی تعبیر می‌شود، در واقع قوانین پروردگار برای اداره‌ی جامعه‌ی انسانی است نقش مهمی در تغییر و دگرگونی و حرکت جوامع انسانی دارد.

یکی از این سنت‌ها که در قرآن آیات فراوانی به آن اختصاص دارد، سنت هلاک است که به جریان افتادن آن توسط خداوند باعث از بین رفتن یک جامعه و افراد آن می‌شود. عواملی چند که با رفتارهای افراد جامعه و سبک زندگی آنان ارتباط مستقیمی دارد موجب جریان این سنت الهی می‌گردد به گونه‌ای که می‌توان آن را نتیجه‌ی رفتارهای افراد آن جامعه دانست. قرآن کریم نیز به بشر هشدار می‌دهد که در این زمینه قوانینی حاکم است و برای اینکه انسان بتواند بر سز نوشت خود حاکم شود لازم است تا این سنت‌ها و قوانین را بشناسد. (صدر، ۱۳۸۱: ۷۹)

این ارتباط فشرده میان رفتارهای افراد جامعه و جریان این سنت، ضرورت تحقیق و پژوهش در این زمینه را مشخص می‌کند. زیرا شناخت افراد جامعه نسبت به این سنت و دقت و توجه به آن باعث سالم سازی فضای جامعه و دوری از رفتار ناشایست، اصلاح سبک زندگی، حرکت به سمت معنویت و تبعیت از تعالیم الهی می‌شود و می‌تواند ضمن نجات آن جامعه از نابودی زمینه ساز حرکت به سوی یک تمدن مطلوب را فراهم آورد.

پژوهش حاضر با درک این ضرورت که در فراز و فرود تمدن‌ها در طول تاریخ عوامل مختلفی مؤثر بوده کوشیده است تا با مراجعه به آیات قرآن کریم یکی از سنت‌های حاکم یعنی سنت هلاک را مورد مطالعه قرار داده و عوامل جریان آن را مشخص نماید و در واقع در تلاش است تا به این پرسش پاسخ دهد که قرآن کریم چه عواملی را باعث جریان سنت هلاک معرفی می‌کند؟ در این پژوهش داده‌های اولیه از آیات قرآن جمع‌آوری و سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون سازماندهی و تحلیل می‌شود تا به سوال تحقیق پاسخ داده شود.

پیشینه پژوهش

محققان و پژوهشگران در آثار خود سنت هلاک را بیشتر در کنار دیگر سنن الهی مورد بحث قرار داده‌اند. مانند: عبدالکریم زیدان در اثری با عنوان «السنن الالهیه فی الامم و الجماعات و الافراد فی الشریعه الاسلامیه»، (۱۹۹۳م)، مجدی محمد محمد عاشور در اثری با عنوان «السنن الالهیه فی الامم و الافراد فی القرآن الکریم»، (۲۰۰۶م)، احمد حامد مقدم در «سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم» (۱۳۸۷)، و محمد تقی مصباح یزدی در کتاب «جامعه و تاریخ از نگاه قرآن» (۱۳۹۸) و یا اینکه سنت‌ها را به صورت عام مورد بحث قرار داده و می‌کوشند تا بستر، عناصر اجتماعی، نقش انسان، ایده‌آل‌های ملل در سنت‌های تاریخی قرآن را مورد مذاقه قرار دهد مانند سید محمد باقر صدر، «سنت‌های تاریخ در قرآن» (۱۳۸۱) با این حال پژوهش‌هایی هم در موضوع هلاک امت‌ها و انقراض تمدن‌ها با توجه به آیات قرآن نیز صورت گرفته که در آن‌ها به عوامل هلاکت جوامع در قرآن کریم توجه شده و به موضوع تحقیق حاضر نزدیک است. مانند: سعید محمد بابا سیلا در پژوهشی با عنوان «اسباب هلاک الامم السالفه کما وردت فی القرآن الکریم» (۲۰۰۰م)، ابتدا به ذکر امت‌های هلاک شده و انواع هلاک آنان پرداخته و کوشیده تا بیشترین مصادیق را از قرآن استخراج کند و سپس با توجه به تفسیر آیات و روایات مربوطه به مواردی مانند: شرک، استکبار، تکذیب و آزار انبیاء، کفران نعمت، کم‌فروشی به عنوان اسباب هلاک امت‌های گذشته دست یافته است. عبدالله ولی پور، ناصر عابدینی هم در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن مجید با بررسی مصادیق» (۱۳۹۳)، موجبات هلاک و انقراض تمدن‌ها را مورد واکاوی قرار داده و شرک، تکذیب و آزار پیامبران، ظلم و ستم، فساد، ترفه و تن‌آسایی را از عوامل انقراض تمدن‌ها بر شمرده‌اند. نصرالله آقاجانی، در کتاب «سنت‌های الهی در اعتلاء و انحطاط جوامع از دیدگاه قرآن و روایات» (۱۳۹۹) سنت‌های الهی را مورد مطالعه قرار دهد تا چگونگی، زمینه‌ها و جریان‌شان را به همراه آثار و پیامدها سنت‌ها در جامعه و گروه‌های انسانی نشان دهد. سنت هلاک در بخش چهارم این کتاب مورد بررسی قرار داده و دو عامل بعثت رسول و گسترش فساد را دو شرط تحقق این سنت دانسته است که در تحقیق

حاضر با تمرکز علل جریان این سنت، یک مدل با چهار مضمون فراگیر به دست آمد که هر یک به مثابه یکی از علل جریان است.

این تحقیقات از این جهت که به هلاک و انقراض امت‌ها با توجه به آیات قرآن می‌پردازند در موضوع و تا حدودی در نتایج به پژوهش حاضر نزدیک می‌شوند اما پژوهش حاضر به لحاظ اینکه بر عواملی که موجب به جریان افتادن این سنت می‌شوند، تمرکز دارد و می‌کوشد تا این عوامل را با استفاده از روشن‌ترین آیات قرآن در این زمینه مورد مطالعه قرار دهد تا به یک الگویی در این زمینه دست یابد که دارای عناصری باشد که هر یک از آن عناصر به مثابه بخشی از به جریان افتادن این سنت باشند، از این تحقیقات متمایز است و به عبارت دیگر می‌توان گفت از لحاظ هدف گذاری و نتایج با این پژوهش‌ها فرق دارد. تفاوت دیگر نیز در روش تحقیق حاضر با پژوهش‌های دیگر است، به طوری که در این پژوهش با استفاده از تحلیل مضمون، داده‌های قرآنی ساماندهی شده و به کشف مضامین پرداخته شده است اما تحقیقات گذشته بیشتر به واکاوی آیات و توجه به تفاسیر سعی در ساماندهی تحقیقات داشته‌اند. بر این اساس، جستجوها و بررسی‌های نگارندگان حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی که به ترسیم شبکه مضامین عوامل جریان تاریخی سنت هلاک به کمک روش تحلیل مضمون پردازد، انجام نشده است و به همین علت پژوهش در این موضوع با این هدف و بهره‌مندی از این روش تحقیق کیفی، می‌تواند تحقیقات ارزشمند گذشته به نوعی تکمیل کرده و عرصه جدیدی در مقابل پژوهشگران بگشاید.

۱- تحلیل مضمون

«تحلیل مضمون» روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. (شیخ زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳)

این روش برای شناخت، شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. تحلیل مضمون در کم‌ترین حالت، مجموعه‌ی داده‌ها را با جزئیات بسیار سازماندهی و شرح می‌دهد و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر می‌کند. تحلیل مضمون صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود. به طور کلی تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب، تحلیل اطلاعات

کیفی، مشاهده‌ی نظام مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ، تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی است. (خنیفر، ۱۳۹۶: ۵۳ / ۱)

مضمون در این روش غالباً به مثابه الگویی است که مبین نکته‌ی جالبی درباره‌ی موضوع تحقیق است و با استفاده از شعور متعارف شناخته می‌شود. (شیخ زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۹) به عبارت دیگر مضمون یا تم^۱ ویژگی تکراری و متمایز در متن است که نشان دهنده‌ی اطلاعات مهمی درباره‌ی داده‌ها و درک خاصی در رابطه با سوالات پژوهش و الگویی است که در مجموعه‌ای از داده‌ها یافت شده و به توصیف و سازماندهی مشاهدات و تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. (خنیفر، ۱۳۹۶: ۱ / ۵۴)

به همین علت شناخت مضمون یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارها در تحقیقات کیفی است و شعور متعارف، ارزش‌های محقق، جهت‌گیری‌های و سوالات تحقیق و تجربه‌ی محقق درباره‌ی موضوع در نحوه‌ی شناخت مضامین تاثیر می‌گذارد. برای شناخت مضمون باید مسائلی را در نظر داشت.

اول: شناخت مضمون هرگز به معنی صرفاً یافتن نکته‌ی جالبی در داده‌ها نیست بلکه مستلزم آن است که پژوهشگر مشخص کند در داده‌ها باید دنبال چه چیزی باشد؟ از چه چیزهایی باید صرف نظر و چگونه داده‌ها را تحلیل و تفسیر کند؟ در واقع مضمون شناسایی شده باید نقش مهم و برجسته‌ای در تحلیل نهایی داده‌ها داشته باشد.

دوم: واژه‌ی مضمون به طور ضمنی و تا حدی، مبین تکرار است و لذا مساله‌ای را که صرفاً یکبار در متن داده‌ها ظاهر شود نمی‌توان مضمون به حساب آورد (مگر آنکه نقش برجسته و مهمی در تحلیل نهایی داده‌ها داشته باشد). به طور معمول، تکرار به معنی مشاهده و ظاهر شدن در دو یا چند مورد در متن است.

سوم: مضمون‌ها باید از یکدیگر متمایز باشد. با وجود اینکه هم‌پوشانی در میان مضامین مختلف وجود نداشته باشد نمی‌توان درک درستی از تحلیل‌ها و تفسیرها عرضه کرد. (خنیفر، ۱۳۹۶: ۱ / ۶۱؛ شیخ زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۱)

در تحقیق پیش رو مراحل انجام این روش برای استخراج شبکه‌ی مضمونی عوامل جریان سنت هلاک در قرآن کریم مرحله به مرحله انجام می‌شود.

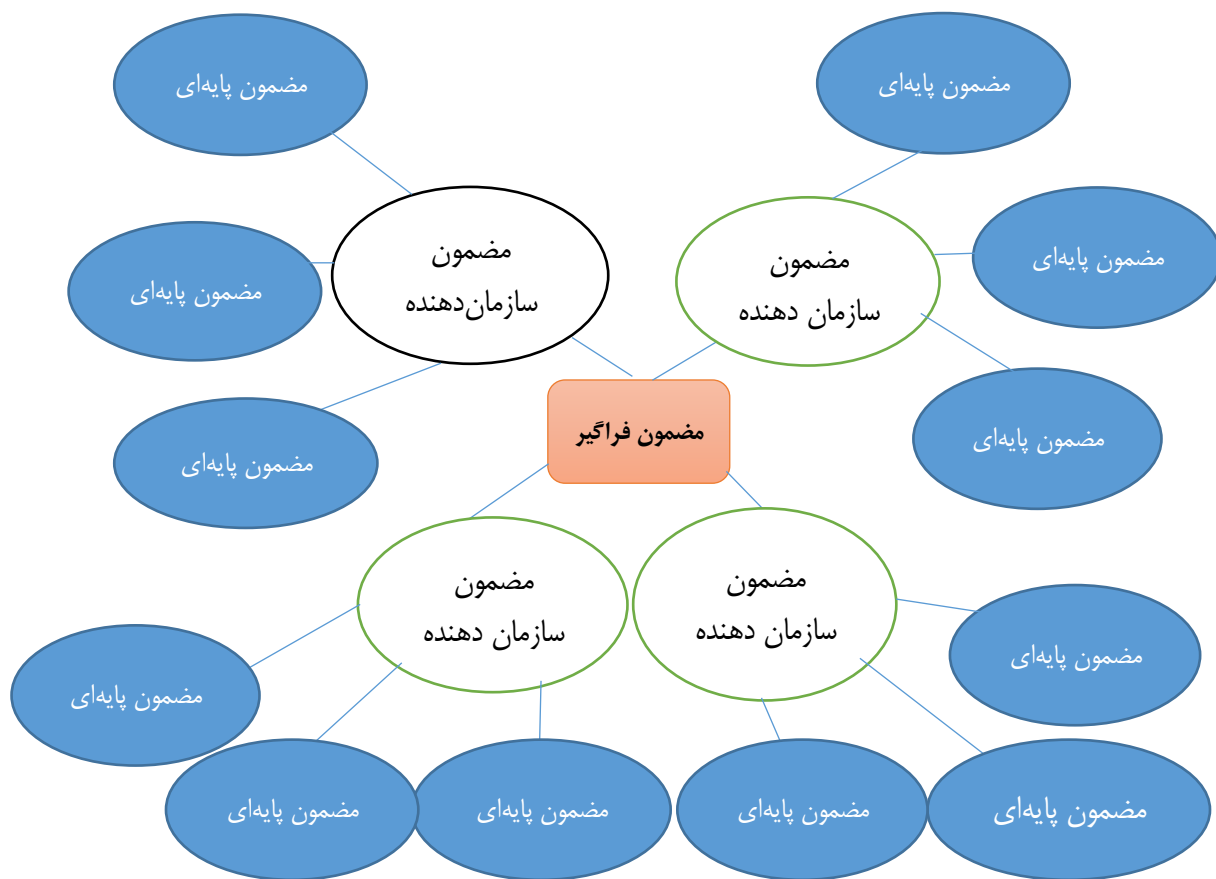
محققان در تحلیل مضمون از ۴ روش بهره برده‌اند (ر.ک: شیخ زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۵-۱۷۲) که روش شبکه‌ی مضامین^۱ یکی از آن‌هاست و در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. این روش توسط «آتراید - استارلینگ»^۲ توسعه داده شد و آنچه که عرضه می‌کند نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه‌ی مضامین بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی در برگرفته‌ی اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه‌ی تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این ۳ سطح همراه با روابط میان آن‌ها نشان داده می‌شود. باید به این نکته توجه داشت که ۱ شبکه‌ی مضمونی ابزار و تصویری برای تفسیر متن است و نتایج حاصل از آن متن را برای محقق و خوانندگان روشن می‌کند. (همان، ۱۷۰)

در اجرای این روش ابتدا روشن‌ترین آیات مربوط به سنت هلاک گرد آوری شده و پس از طی فرایند تحلیل مضمون تلاش می‌کنیم تا به مفاهیم دارای سطح بندی برسیم. منظور از سطح مفاهیم آن است که برخی از مضامین که مهم‌تر هستند در جایگاه مرکزی قرار بگیرند و سایر مضامین نیز پیرامون آنان سازماندهی شوند که در نتیجه توصیفی غنی از مجموعه داده‌ها به دست می‌آید و علل جریان سنت استدراج روشن می‌شود.

در این پژوهش بر آنیم تا توصیفی غنی و جامع از کل داده‌ها عرضه کنیم به گونه‌ای که خواننده بتواند مضامین مهم یا برجسته‌ی مجموع این آیات را بشناسد. همچنین مضامین به روش استقرایی (مبتنی بر داده) شناسایی می‌شوند که به شدت با خود داده‌ها مرتبط هستند (Patton, 1990: 85) و تحلیل نیز بر اساس همین داده‌ها انجام می‌شود. مطلب دیگری که در این پژوهش مورد توجه قرار داشته این است که مضامین در سطح مشهود، با توجه به معانی ظاهری داده‌ها شناخته شده است و در مقام تحلیل به دنبال چیزی فراتر از آنچه در متن وجود دارد نبوده‌ایم. (شیخ زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۷۴)

۱. Thematic Network.

۲. Attrid-Stirling.



نمودار شماره ۱: نمونه‌ای از اجزای شبکه مضمونی

۲- معنای واژگان

۱-۲- سنت

سنت در لغت به معنای راه و روشی است که مستمر بوده و به صورت عادت درآمده باشد است. (اغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۹؛ ابن اثیر، ۲/ ۲۹۲) و به عبارت دیگر می‌توان به جریان آسان و مستمر چیزی سنت گفت البته این جریان امری منضبط بوده که ممکن است در ظهور سخن، عمل یا صفتی نمود پیدا کند و با اختلاف موارد ضوابط آن نیز مختلف شود. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۵/ ۲۳۶-۲۳۷)

معنای سنت در میان مفسران با معنای آن نزد اهل لغت قرابت فراوانی دارد و مفسران نیز سنت را به معنای راه و روش معمول و رایج گرفته‌اند که در اکثر یا تمام موارد جاری می‌شود و به روشی که ۱ یا ۲ مرتبه انجام شود سنت اطلاق نمی‌کنند. (طوسی، ۱۳۷۱: ۸/۳۶۲؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۸/۵۸۱؛ طباطبایی، ۱۳۸۳: ۱۶/۳۴۰)

۲-۲- هلاک

هلاک از ماده‌ی هَلَك در زبان عربی به معانی متعددی به کار رفته است که مهم‌ترین آن مرگ، از بین رفتن، تمام شدن، سقوط، فساد، حرکت به سمت مکان نامعلوم می‌باشد. (مطریزی، ۱۳۹۹: ۲/۳۸۸-۳۸۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰/۵۰۳-۵۰۸)

۲-۲-۱- استعمالات قرآنی هلاک

ماده‌ی «هَلَك» در قرآن ۵ گونه کاربرد دارد.

۱. چیزی که نزد تو نیست اما نزد دیگران موجود است. «هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ قَدَرْتِ مَنْ أَزْ (كف) مِنْ بَرَفْتِ». (الحاقه/۲۷)

۲. چیزی که با دگرگونی و فساد از بین برود. «وَيُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَ كَشْتِ وَ نَسْلَ رَا نَابُودِ سَاوِدِ». (بقره/۲۰۵)

۳. مرگ «إِنْ أَمْرُؤُ هَلَكَ إِنْ مَرْدِي مِمِيرِدِ». (نساء/۱۷۶) «وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا وَ بِهِ يَقِينُ يوسُفُ بِبِشِ مِنْ أَيْنِ دَلَالِي أَشْكَارِ بَرَايِ شَمَا أَوْرِدِ وَ أَزْ أُنْجَهِ بَرَايِ شَمَا أَوْرِدِ هَمُورِهِ دَرِ تَرْدِيدِ بُوْدِيدِ تَا وَقْتِي كِهْ أَزْ دُنْيَا رَفْتِ كَفْتِيدِ خُدَا بَعْدِ أَزْ أُوْ هِرْكَزِ فَرَسْتَادِهْ آيِ رَا بَرَنْخَوَاهِدِ أَنْكِيخْتِ». (غافر/۳۴)

۴. باطل شدن چیزی از جهان و نبودن مستقیم آن چیز که فنا نیز نامیده شده «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ جِزْ ذَاتِ أُوْ هَمِهْ چِيْزِ نَابُودِشُونِدِهْ اسْتِ». (قصص/۸۸) «وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ وَ پَرُورْدِگَارِ تُوْ (هِرْكَزِ) بَرِ آنِ نَبُودِهْ اسْتِ كِهْ شَهْرَهَائِيِ رَا كِهْ مَرْدَمِشِ اَصْلَاحِ كَرْنِدِ بِهْ سْتَمِ هَلَاكِ كَنْدِ». (هود/۱۱۷)

۵. به معنای عذاب، ترس و فقر نیز به کار رفته است «أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ يَا بَگُويِيدِ پَدْرَانِ مَا بِبِشِ أَزْ اَيْنِ مِشْرَكِ بُوْدِهْ اَنْدِ وَ مَا فَرِزَنْدَانِيِ پَسِ أَزْ ايشانِ بُوْدِيمِ آيَا مَا رَا بِهْ خَاطِرِ أُنْجَهِ بَاطِلِ اَنْدِيشَانِ اَنْجَامِ دَادِهْ اَنْدِ هَلَاكِ مِيْ كِنِيِ» (اعراف/۱۷۳) «فَكَأَيُّنُ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ وَ چِهْ بَسِيَارِ شَهْرَهَا رَا كِهْ سْتَمْكَارِ بُوْدَنْدِ هَلَاكِشَانِ كَرْدِيدِمِ.» (حج/۴۵) «وَ كَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ چِهْ بَسِيَارِ شَهْرَهَا كِهْ (مَرْدَمِ) آنِ رَا بِهْ هَلَاكِتِ رَسَانِيدِيدِمِ.»

(اعراف/۴) «فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ» پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهند یافت. (احقاف/۳۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۴۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۵/۳۳۸-۳۳۹)

با توجه به آنچه گذشت باید منظور از هلاک در سنن الهی را نابود شدن، عذاب و از بین رفتن به واسطه‌ی اراده‌ی الهی دانست. البته در قرآن برای اراده‌ی این معنا علاوه بر لفظ هلاک الفاظ دیگری نیز به کار رفته است که برای فهم بهتر این سنت لازم است تا به تمام این الفاظ توجه کنیم و آنان را در نظر داشته باشیم.

۲-۳- الفاظ دارای معنای هلاک در قرآن

۲-۳-۱- واژه «اخذ»

این واژه به معنای حیات و به دست آوردن چیزی است که گاهی به معنای به دست آوردن همراه با قهر و غلبه به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۷) این لغت به معنای هلاک شدن توسط خدا به واسطه‌ی عقوبت گناهان استعمال شده و به این معنا شهرت دارد. (فیومی، ۱۴۱۴: ۶/۲؛ زبیدی، ۱۴۱۴: ۵/۳۴۵)

«وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقَرْيَ وَ هِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ» و این گونه بود (به قهر) گرفتن پروردگارت وقتی شهرها را در حالی که ستمگر بودند (به قهر) می‌گرفت آری (به قهر) گرفتن او دردناک و سخت است. (هود/۱۰۲) «فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِئْسًا وَلِيًّا» فرعون به آن فرستاده عصیان ورزید پس ما او را به سختی فرو گرفتیم. (مزمّل/۱۶)

۲-۳-۲- واژه «حقیق»

این لغت به معنای احاطه و فراگرفتن است و آنچه که به واسطه‌ی انجام اعمال ناشایست انسان را احاطه کرده و در بر بگیرد گفته می‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/۲۵۶) و از آن به عنوان جزای اعمال نیز یاد می‌شود. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲/۳۳۲)

«وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكُمْ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند پس آنچه را ریشخند می‌کردند گریبانگیر ریشخندکنندگان ایشان گردید. (انعام/۱۰؛ انبیاء/۴۱)

۲-۳-۳- واژه «دمر»

دمر در لغت به معنای هلاک است و فرا رسیدن و داخل شدن مرگ و هلاکت بر چیزی را تدمیر

می‌گویند. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/۳۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۱۸)

«أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا»
مگر در زمین نگشته اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آن‌ها بودند به کجا انجامیده ست خدا زیر
و زبرشان کرد و کافران را نظایر (همین کیفرها در پیش) است.» (محمد/۱۰)

۲-۳-۴- واژه «رجز»

اصل این لغت دلالت بر اضطراب دارد و در قرآن کریم به معنای عذاب به کار رفته است. (ابن
فارس، ۱۴۰۴: ۲/ ۴۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۴/ ۵۱) «إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا
كَانُوا يَفْسُقُونَ ما بر مردم این شهر به (سزای) فسقی که می‌کردند عذابی از آسمان فرو خواهیم فرستاد.»
(عنکبوت/۳۴)

۲-۳-۵- واژه «قصم»

اصل این لغت به معنای شکستن است و در قرآن برای هلاک قوم ظالم از این واژه استفاده شده
و به شکستن تعبیر شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵/ ۹۳) «وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا
بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ وَ چه بسیار شهرها را که (مردمش) ستمکار بودند در هم شکستیم و پس از آنها
قومی دیگر پدید آوردیم.» (انبیاء/۱۱)

در قرآن از اقوام و جوامعی یاد می‌شود که با اعمال خود باعث جریان تاریخی این سنت الهی
شدند و به همین منظور آیاتی از قرآن به سرگذشت این اقوام می‌پردازد که آیات آن به این شرح
است:

قوم نوح: (عنکبوت/۱۴-۱۵)، (ذاریات/۴۶)، (نوح/۷)، (اعراف/۶۴)، (قمر/۹-۱۶)، (شعراء/۱۰۵-
۱۲۱)

قوم هود (عاد): (قمر/۱۸-۲۱)، (شعراء/۱۲۳-۱۳۹)

قوم صالح (ثمود): (اعراف/۷۳-۷۸)، (هود/۶۸)، (قمر/ ۲۵-۲۶)

قوم لوط: (حجر ۷۵-۷۷)، (شعراء/ ۱۶۰-۱۷۴)، (قمر/ ۳۳-۳۹)، (عنکبوت/۲۹)، (انبیاء/۷۴)،
(هود/۸۲-۸۳)

قوم شعیب (مدین): (اعراف/۸۵-۸۶)، (فرقان/۲۳)، (هود/۱۰۱)، (هود/۸۹-۹۰)، (هود/۹۱)،
(شعراء/۱۸۵-۱۸۹)، (احزاب/۶۲)

فرعون و قومش: (آل عمران/۱۰-۱۱)، (انفال/۵۲)، (انفال/۵۴)، (مومنون/۴۸)، (اعراف/۱۳۲-
۱۳۶)، (قمر/۴۱-۴۲)

۳- مضامین مرتبط با علل جریان تاریخی سنت هلاک در قرآن کریم

۳-۱- استخراج مضامین پایه‌ای از متن

در روش تحلیل مضمونی ابتدا از متن اصلی که در اینجا آیات قرآن کریم است مضمون‌های پایه‌ای استخراج و در قالب کدهایی ساماندهی می‌شود. هر یک از آیات مربوط به سنت هلاک دارای مضمونی است که با خواندن آن آیه به ذهن متبادر می‌شود و به آن مضمون پایه‌ای گویند. در این قسمت ما برای هر مضمون پایه‌ای یک آیه را از میان آیات مربوط به این مضمون به عنوان نمونه انتخاب کرده و در جدول شماره ۱ می‌آوریم.

جدول شماره ۱: استخراج مضامین پایه‌ای از متن قرآن

ردیف	نمونه آیات	مضامین پایه‌ای
۱	«أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ» یا بگویید پدران ما پیش از این مشرک بوده‌اند و ما فرزندان پس از ایشان بودیم آیا ما را به خاطر آنچه باطل اندیشان انجام داده‌اند هلاک می‌کنی» (اعراف/۱۷۳)	رفتار افراد باطل اندیش
۲	«إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ أَنگاه که برادرشان نوح به آنان گفت آیا پروا ندارید.» (شعراء/۱۰۶)	بی تقوایی
۳	«إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأُولَىٰ» (۱۳۷) وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ این جز شیوه پیشینیان نیست و ما عذاب نخواهیم شد.» (شعراء/۱۳۷-۱۳۸)	پیروی از سنت غلط پیشینیان
۴	«فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَرْقَنَّا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَانُوا ظَالِمِينَ» پس ما آنان را به (سزای) گناهانشان هلاک و فرعونیان را غرق کردیم و همه آنان ستمکار بودند.» (انفال/۵۴)	ارتکاب گناهان
۵	«وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا» و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم خوشگذرانانش را و می‌داریم تا در آن به انحراف (و فساد) بپردازند و در نتیجه عذاب بر آن (شهر) لازم گردد پس آن را (یکسره) زیر و زیر کنیم.» (اسراء/۱۶)	فساد
۶	«فَكَأَيُّ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ وَجِهَ بَسِيْرًا شَهْرَهَا رَا كَه سْتَمْكَار بُونْد هْلَاكْشَان كَرْدِيم.» (حج/۴۵)	ظلم
۷	«كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ» (رفتاری) چون رفتار فرعونیان و کسانی که پیش از آنان	تکذیب آیات الهی

	بودند که آیات پروردگارشان را تکذیب کردند پس ما آنان را به (سزای) گناهانشان هلاک.» (انفال/۵۴)	
تحریف آیات الهی	«فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» اما کسانی که ستم کرده بودند (آن سخن را) به سخن دیگری غیر از آنچه به ایشان گفته شده بود تبدیل کردند و ما (نیز) بر آنان که ستم کردند به سزای اینکه نافرمانی پیشه کرده بودند عذابی از آسمان فرو فرستادیم.» (بقره/۵۹)	۸
نیرنگ	فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاَهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ پس بنگر که فرجام نیرنگشان چگونه بود ما آنان و قومشان را همگی هلاک کردیم.» (نمل/۵۱)	۹
کور دلی	«فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَبَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَعْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ» پس او را تکذیب کردند و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم و کسانی را که آیات ما را دروغ پنداشتند غرق کردیم زیرا آنان گروهی کور(دل) بودند.» (اعراف/۶۴)	۱۰
فرارسیدن موعد هلاک	«وَتِلْكَ الْقَرْىُ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا وَ (مردم) آن شهرها چون بیدادگری کردند هلاکشان کردیم و برای هلاکشان موعدی مقرر داشتیم.» (کهف/۵۹)	۱۱
آگاهی کردن مردم	«ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقَرْىِ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ» این (اتمام حجت) بدان سبب است که پروردگار تو هیچ گاه شهرها را به ستم نابوده نکرده در حالی که مردم آن غافل باشند.» (انعام/۱۳۱)	۱۲
ارسال هشدار	«وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النَّذْرُ وَ در حقیقت هشداردهندگان به جانب فرعونیان آمدند.» (قمر/۴۱)	۱۳
سرمستی از نعمتها	«وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا وَ چه بسیار شهرها که هلاکش کردیم (زیرا) زندگی خوش آنها را سرمست کرده بود.» (قصص/۵۸)	۱۴
ارتکاب جرم	«كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ» این چنین گروه بدکاران را سزا می دهیم.» (احقاف/۲۵)	۱۵

فسق	«إِنَّا مُنَزِّلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ مَا بَرَّ مَرْدَمَ ابْنِ شَهْرٍ بِهِ (سزای) فسقی که می‌کردند عذابى از آسمان فرو خواهیم فرستاد.» (عنکبوت/۳۴)	۱۶
فرستادن پیامبر	«وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَ يَرُودُكَارَ تُو (هرگز) ویرانگر شهرها نبوده است تا (بیشتر) در مرکز آنها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر ایشان بخواند.» (قصص/۵۹)	۱۷
فرستادن هشدار دهندگان	«وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ وَ هِيْجَ شَهْرِي رَا هَلَاكَ نَكْرَدِيمَ مَكْرَ أَنْكَهَ بَرَاىَ أَنْ هَشْدَارْدَهَنْدِگَانِي بُوْد.» (شعراء/۲۰۸)	۱۸
یاد آوری هلاکت اقوام گذشته	«فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ پَس تَكْذِيْبِش كَرْدَنْد وَ هَلَاكْشَان كَرْدِيمَ قَطْعَا دَر اَيْن (ماجرا درس) عِبْرَتِي بُوْد وَ (لی) بِيْشْتَرَشَان اِيْمَان اَوْرَنْدَه نَبُوْدَنْد.» (شعراء/۱۳۹)	۱۹
یاد آوری نعمت‌های الهی	«وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿۱۳۲﴾ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَيْنَ ﴿۱۳۳﴾ وَجَنَّاتٍ وَعِيُونٍ وَ مِنْ اَنْ كَسَ كِه شَمَا رَا بَه اَنْجَه مِي دَانِيْدَ مَدَد كَرْدَ پَرُوَا دَارِيْدَ (۱۳۲) شَمَا رَا بَه (دادن) دَامْهَا وَ پَسْرَان مَدَد كَرْدَ (۱۳۳) وَ بَه (دادن) بَاغْهَا وَ چَشْمَه سَارَان.» (شعراء/۱۳۲-۱۳۴)	۲۰
تکذیب فرستادگان الهی	«كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ عَادِيَانِ پِيَامِبْرَانِ (خدا) رَا تَكْذِيْبَ كَرْدَنْد.» (شعراء/۱۲۳)	۲۱
بی توجهی نسبت به هشدارهای الهی	«قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَطَّتْ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ كَفْتَنْدَ خَوَاهِ اَنْدَرَز دَهِي وَ خَوَاهِ اَز اَنْدَرَز دَهَنْدِگَانِ نَبَاشِي بَرَاىَ مَا يَكْسَانِ اسْت.» (شعراء/۱۳۶)	۲۲
آزار فرستادگان الهی	«كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمَ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَ جَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ پِيْش اَز اَيْنَانِ قَوْمِ نُوحٍ وَ بَعْدَ اَز اِنَانِ دَسْتَهْهَي مَخَالَفَ (ديگر) بَه تَكْذِيْبِ پَرْدَاخْتَنْدَ وَ هَر اَمْتِي اَهَنْگَ فَرَسْتَاَدَه خُوْد رَا كَرْدَنْدَ تَا اُو رَا بَغِيْرَنْدَ وَ بَه (وسيله) بَاطِلِ جَدَالِ نَمُوْدَنْدَ تَا حَقِيْقَتَ رَا بَا اَنْ پَايْمَالِ كَنْنَدَ پَس اِنَانِ رَا فَرُو كَرَفْتَم اِيَا چِگُوْنَه بُوْد كِيْفَر مَن.» (غافر/۵)	۲۳

<p>تمسخر فرستادگان الهی</p>	<p>«وَلَقَدْ اسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَاَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ اخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ وَ بِي گمان فرستادگان پیش از تو (نیز) مسخره شدند پس به کسانی که کافر شده بودند مهلت دادم آنگاه آنان را (به کیفر) گرفتم پس چگونه بود کیفر من.» (رعد/۳۲)</p>	<p>۲۴</p>
<p>تمسخر هشدارهای الهی</p>	<p>«وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ وَ آنچه مسخره‌اش می‌کردند آنان را فرا گرفت.» (نحل/۳۴)</p>	<p>۲۵</p>
<p>نافرمانی</p>	<p>«وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ وَ قوم نوح (نیز) پیش از آن (اقوام نامبرده همین گونه هلاک شدند) زیرا آن‌ها مردمی نافرمان بودند.» (ذاریات/۴۶)</p>	<p>۲۶</p>
<p>درخواست عذاب از سوی پیامبر الهی</p>	<p>«فَدَعَا رَبَّهُ أَثْمَى مُغْلُوبٌ فَاتْتَصَرَ تَا پروردگارش را خواند که من مغلوب شدم به داد من برس.» (قمر/۱۰)</p>	<p>۲۷</p>
<p>نافرمانی از فرستادگان الهی</p>	<p>«فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِئَلَاءَ وَلی) فرعون به آن فرستاده عصیان ورزید پس ما او را به سختی فرو گرفتیم.» (مزمّل/۱۶)</p>	<p>۲۸</p>
<p>کفر</p>	<p>«ثُمَّ اخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ آنگاه کسانی را که کافر شده بودند فرو گرفتم پس چگونه بود کیفر من.» (فاطر/۲۶)</p>	<p>۲۹</p>
<p>مهلت دادن قبل از هلاک</p>	<p>«وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ اخَذْتُهَا وَآلِيَ الْمَصِيرِ وَ چه بسا شهری که مهلتش دادم در حالی که ستمکار بود سپس (گریبان) آن را گرفتم و فرجام به سوی من است.» (حج/۴۸)</p>	<p>۳۰</p>
<p>وعده هلاکت برای کافران</p>	<p>«أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَرُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا مگر در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آن‌ها بودند به کجا انجامیده است خدا زیر و زبرشان کرد و کافران را نظایر (همین کیفرها در پیش) است.» (محمد/۱۰)</p>	<p>۳۱</p>
<p>نجات صالحان</p>	<p>«فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ پس او و هر که را در آن کشتی آکنده با او بود رهانیدیم.» (شعراء/۱۱۹)</p>	<p>۳۲</p>
<p>مخالفت با فرستادگان الهی</p>	<p>«وَإِذَا قَوْمٌ لَأَ يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمَ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ وَ ای قوم من زنهار تا مخالفت شما با من شما را بدانجا نکشانم که (بلایی)</p>	<p>۳۳</p>

	مانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید به شما (نیز) برسد و قوم لوط از شما چندان دور.» (هود/۸۹)	
پیمان شکنی	« فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بِالْعَوَةِ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ وَ چون عذاب را تا سررسیدی که آنان بدان رسیدند از آنها برداشتیم باز هم پیمان شکنی کردند.» (اعراف/۱۳۵)	۳۴
غفلت از عاقبت نافرمانی	« فَأَنْتَعِمْنَا مِنْهُمْ فَأَعْرِفْنَاهُمْ فِي الْأَيِّمِ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ سرانجام از آنان انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان ساختیم چرا که آیات ما را تکذیب کردند و از آن‌ها غافل بودند. » (اعراف/۱۳۶)	۳۵
معلوم نبودن زمان هلاک	« أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ آیا ساکنان شهرها ایمن شده اند از اینکه عذاب ما شامگاهان در حالی که به خواب فرو رفته اند به آنان برسد.» (اعراف/۹۷)	۳۶
فرا رسیدن اجل	« وَكُلُّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَكَأَنَّهُمْ يَسْتَقْدِمُونَ و برای هر امتی اجلی است پس چون اجلشان فرا رسد نه (می توانند) ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش.» (اعراف/۳۴)	۳۷
نا سپاسی نعمت‌های خدا	« وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود (و) روزیش از هر سو فراوان می رسید پس (ساکنانش) نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند طعم گرسنگی و هراس را به (مردم) آن چشاندید.» (نحل/۱۱۲)	۳۸

جدول شماره ۲: استخراج مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر از مضامین پایه‌ای

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱.	فرستادن پیامبر	ارسال فرستاده توسط خداوند	
۲.	فرستادن هشدار دهندگان		
۳.	آگاه کردن مردم		

آگاه‌سازی جامعه توسط فرستادگان الهی برای هدایت مردم و نجات افراد هدایت شده	آموزش و هدایت مردم توسط فرستادگان الهی	۴. ارسال هشدار
		۵. یاد آوری نعمت‌های الهی
		۶. یاد آوری هلاکت اقوام گذشته
		۷. وعده هلاکت برای کافران
		۸. نجات صالحان
سرپیچی از تعالیم فرستادگان الهی و مبارزه با آنان	مقابله با فرستادگان الهی	۹. تکذیب فرستادگان الهی
		۱۰. آزار فرستادگان الهی
		۱۱. تمسخر فرستادگان الهی
		۱۲. درخواست عذاب از سوی پیامبر الهی
		۱۳. نافرمانی از فرستادگان الهی
		۱۴. مخالفت با فرستادگان الهی
	نادیده گرفتن تعالیم فرستادگان	۱۵. تکذیب آیات الهی
		۱۶. تحریف آیات الهی
		۱۷. کوردلی
		۱۸. بی توجهی نسبت به هشدارهای الهی
		۱۹. تمسخر هشدارهای الهی
		۲۰. نافرمانی
		۲۱. غفلت از عاقبت نافرمانی
		۲۲. سرمستی از نعمت‌ها
فراگیر شدن ظلم و گناه در جامعه	دنیا گرایی و کفران نعمت	۲۳. ناسپاسی نعمت‌های خدا
		۲۴. بی‌تقوایی
	گسترش ظلم و فساد	۲۵. فساد
		۲۶. ظلم
		۲۷. نیرنگ
		۲۸. فسق

	رواج معصیت و اعمال ناشایست	کفر	۲۹.
		پیمان شکنی	۳۰.
		رفتار افراد باطل اندیش	۳۱.
		پیروی از سنت غلط پیشینیان	۳۲.
		ارتکاب گناه	۳۳.
		ارتکاب جرم	۳۴.
هلاک در زمان مقرر واقع می‌شود ولی مردم از آن بی اطلاع هستند	عدم تعیین زمان هلاک برای گناهکاران	معلوم نبودن زمان هلاک	۳۵.
		مهلت دادن قبل از هلاک	۳۶.
	هلاک در زمان مقرر رخ می‌دهد	فرارسیدن موعد هلاک	۳۷.
		فرا رسیدن اجل	۳۸.

۲-۳- تبدیل مضامین پایه‌ای

پس از دست یافتن به مضامین پایه‌ای که در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است، باید مضامین سازمان دهنده و سپس مضامین فراگیر را با توجه به مضامین پایه‌ای به دست آورد. در این مرحله از تحلیل مضمونی باید تلاش کرد تا با سازماندهی مجدد مضامین پایه‌ای مضامین انتزاعی‌تری به دست آورد تا به وسیله‌ی آن به مضمون‌های مهم‌تر و فراگیرتر برسیم.

پس از دست یافتن به مضامین پایه‌ای که در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است، باید مضامین سازمان دهنده و سپس مضامین فراگیر را با توجه به مضامین پایه‌ای به دست آورد. در این مرحله از تحلیل مضمونی باید تلاش کرد تا با سازماندهی مجدد مضامین پایه‌ای و ترکیب و تلخیص آن‌ها با یکدیگر، مضامین انتزاعی‌تری را به دست آورد. (Attrid - Stirling, 2001: 388) تا به وسیله‌ی آن به مضمون‌های مهم‌تر و فراگیرتر برسیم.

۳-۳- کشف و توصیف شبکه‌ی مضامین

با بررسی و تحلیل مضامین مرتبط با علل جریان سنت هلاک به ۴ مضمون فراگیر می‌رسیم که در ادامه توضیح داده می‌شود.

۳-۳-۱- آگاه سازی جامعه توسط فرستادگان الهی برای هدایت مردم و نجات افراد هدایت

شده

آگاه سازی جامعه توسط فرستادگان به هدف هدایت مردم و همچنین نجات افراد هدایت شده از مضامین به دست آمده روشن می‌شود. آن طور که از آیات قرآن به دست آمد هیچ امتی هلاک نمی‌شود مگر آن که خداوند قبل از آن فرد یا افرادی را برای هدایت و آگاه سازی آنان بفرستد و سنت پروردگار بر آن است که هیچ قومی بدون آنکه از عاقبت کارهای خود آگاه نشود هلاک نگردد و این آگاه سازی از طریق فرستادگان الهی که به سوی آن قوم فرستاده می‌شوند صورت می‌گیرد. این فرستادگان وظیفه‌ی آموزش و هدایت مردم را بر دوش دارند و تلاش می‌کنند تا تعالیم الهی را به مردم رسانده و جامعه‌ی انسانی را هدایت کنند. در این مسیر ضمن یاد آوری نعمت‌های الهی به مردم آنان را از عاقبت نافرمانی بیم داده و به کافران وعده عذاب و هلاک می‌دهند و مردم را از سرنوشت اقوام هلاک شده آگاه می‌کنند. اگر تعالیم و هشدارهای فرستادگان الهی با اقبال جامعه مواجه شود و مردم هدایت شوند نزول عذاب و هلاکت جامعه منتفی می‌شود اما اگر از این تلاش‌ها نتیجه مطلوب حاصل نشد آنگاه یکی از زمینه‌ها و عوامل هلاک فراهم می‌شود منتها قبل از هلاکت مردم خداوند آن دسته از افراد را که هدایت شده‌اند نجات خواهد داد.

۳-۳-۲- سرپیچی از تعالیم فرستادگان الهی و مبارزه با آنان

یکی از مضامین فراگیری که در کاوش میان آیات مربوط به علل جریان سنت هلاک به دست می‌آید سرپیچی از تعالیم فرستادگان الهی و مبارزه با آنان است. این علت زمانی محقق می‌شود که اغلب افراد جامعه به جای پذیرش هدایت و تبعیت از دستورات الهی و پیروی از فرستادگان خداوند بنای ناسازگاری با رسولان الهی می‌گذارند و با تحریف و تکذیب آیات الهی و عدم اعتنا به هشدارها، تعالیم ایشان را نادیده گرفته و حتی از این مرحله نیز فراتر می‌روند و به تکذیب، تمسخر و آزار فرستادگان خداوند مبادرت کرده نافرمانی و مخالفت پیشه می‌کنند. این مواجهه سخت با فرستادگان الهی گاهی منجر به درخواست کمک فرستادگان از خداوند شده و در برخی موارد زمینه ساز جریان سنت هلاک می‌شود.

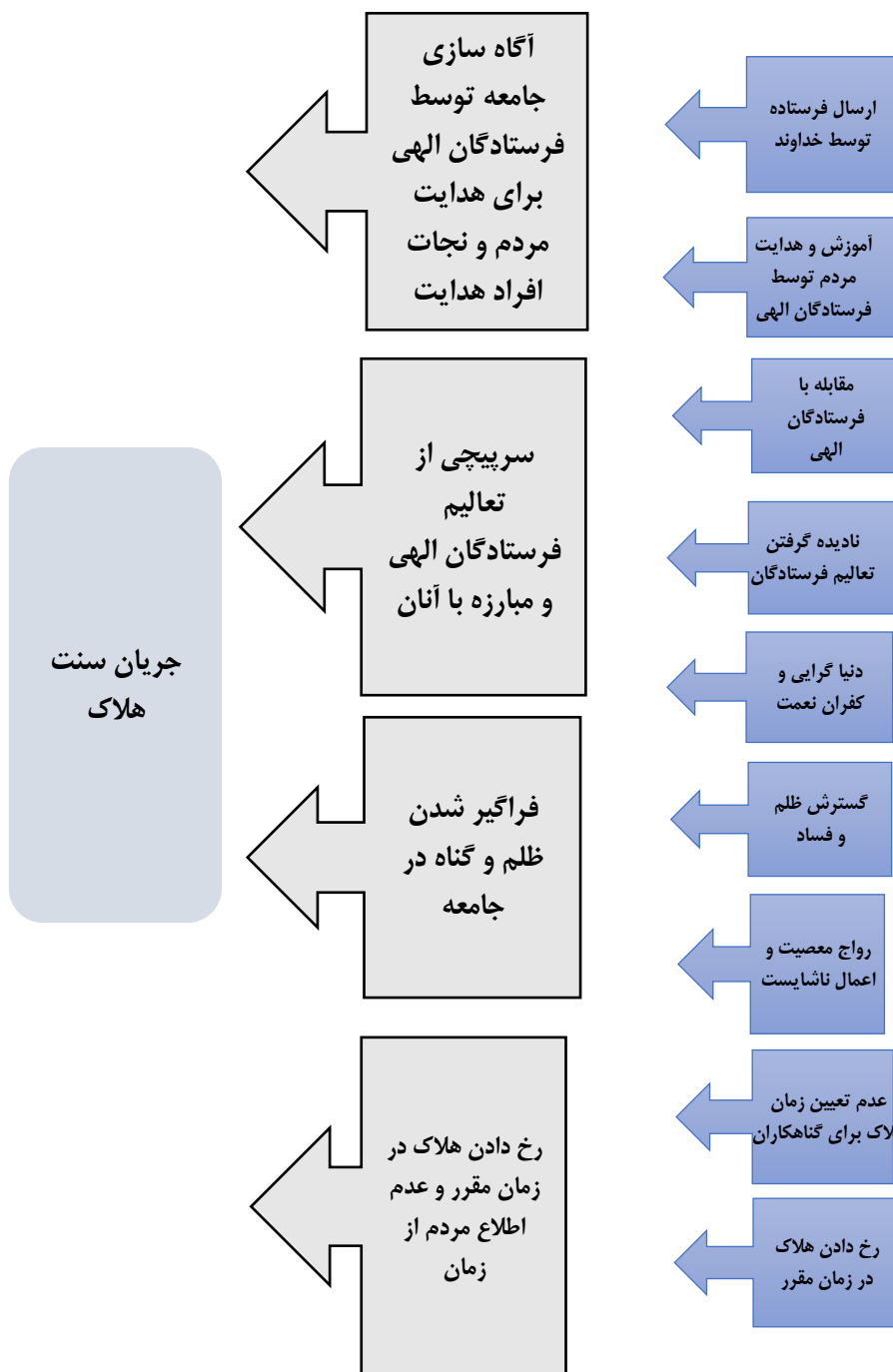
۳-۳-۳- فراگیر شدن ظلم و گناه در جامعه

گسترش و فراگیری ظلم و گناه در جامعه از دیگر مضامین به دست آمده از آیات مربوط به علل جریان سنت هلاک است. این مضمون بیشتر حاصل رفتار و عملکرد مردمی است که از تعالیم الهی دوری گزیده‌اند و در نتیجه گرفتار معضلاتی شده‌اند که آنان را در مسیر هلاک قرار می‌دهد. اولین معضل این جامعه گرفتاری مردم برخوردار جامعه به دنیاگرایی و کفران نعمت است که ریشه در سرمستی از نعمت‌هایی دارد که به آنان ارزانی شده و آنان به جای شکرگذاری به ناسپاسی خدا و کفران نعمت می‌پردازند. در کنار این مساله رواج ارتکاب جرم و گناه میان مردم آن جامعه و پیروی از سنت‌های غلط پیشینیان و رفتار نابخردانه آنان را به دومین معضل یعنی رواج معصیت و اعمال ناشایست دچار می‌کند. معضل سوم این جامعه بی‌تقوایی، ظلم، فساد، نیرنگ، فسق، کفر و پیمان شکنی است و تقارن این ۳ معضل به فراگیر شدن ظلم و گناه در جامعه می‌انجامد که خود یکی از علل جریان سنت هلاک می‌باشد.

۳-۳-۴- هلاک در زمان مقرر واقع می‌شود ولی مردم از آن بی‌اطلاع هستند

مضمون دیگری که از آیات قرآن به دست آمد در مورد زمان وقوع هلاک است. آن گونه که از تحلیل آیات معلوم شد، هلاک در زمان رسیدن اجل و موعد مقرر واقع می‌شود اما افراد جامعه با وجودی که نسبت به حتمی بودن وقوع آن هشدارهایی را دریافت کرده‌اند و نسبت به آن آگاهی دارند اما زمان دقیق آن را نمی‌دانند زیرا در تعالیم و هشدارهای فرستادگان از اصل هلاک سخن گفته می‌شود نه زمان دقیق وقوع آن، به علاوه که جوامع مهلت‌هایی نیز از جانب خداوند دریافت می‌کنند و به همین علت هر چند هلاک در زمان مقرر خود که علم به آن نزد خداوند است واقع می‌شود اما مردم از آن مطلع نیستند.

نمودار شماره ۲: تبدیل مضامین پایه‌ای به مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر



نتیجه

روش تحلیل مضمونی به عنوان یکی از پایه‌ای‌ترین روش‌های تحقیق کیفی، روشی است که از آن می‌توان در پژوهش‌های مربوط به متون دینی استفاده کرد و به وسیله‌ی آن مضامین مهم نهفته در متون را استخراج کرد. در پژوهش حاضر ابتدا آیات مربوط به علل جریان سنت هلاک گرد آوری و مورد تحلیل قرار گرفت و مضامین پایه‌ای آن‌ها استخراج شد. در مرحله‌ی بعد با ترکیب و ادغام مضامین به دست آمده و سازماندهی آنان مفاهیم انتزاعی‌تر به دست آمد که آن را مضامین سازمان دهنده می‌نامند. در نهایت نیز مضامین فراگیر که عام‌ترین نوع مفاهیم موجود در متن بود از مضامین سازمان دهنده استخراج شدند که نتیجه این فرایند کشف ۴ مضمون فراگیر بود.

الف) آگاه‌سازی جامعه توسط فرستادگان الهی برای هدایت مردم و نجات افراد هدایت شده: این مضمون نشان می‌دهد که قبل از جریان سنت هلاک خداوند فرد یا افرادی را برای هدایت و آگاه‌سازی می‌فرستد و سنت پروردگار بر آن است که هیچ قومی بدون دریافت هدایت و آگاهی از عاقبت کارهای خود هلاک نگردند. در انتها نیز اگر رفتار جامعه منجر به هلاک آنان شد افراد هدایت یافته نجات پیدا کنند.

ب) سرپیچی از تعالیم فرستادگان الهی و مبارزه با آنان: با توجه به این مضمون مشخص می‌شود که اگر اغلب افراد جامعه از پذیرش هدایت سرباز زده و از تعالیم الهی که توسط فرستادگان خداوند به آنان رسیده پیروی نکرده و به مقابله با رسولان الهی بپردازند یکی از زمینه‌های جریان سنت هلاک فراهم می‌شود.

ج) فراگیر شدن ظلم و گناه در جامعه: این مضمون نیز نشان می‌دهد که سوء رفتار مردم و دوری آنان از تعالیم الهی جامعه را دچار معضلاتی چون ناسپاسی و کفران نعمت کرده و در کنار آن گسترش ظلم، فساد، جرم، گناه، فسق، کفر نیرنگ، پیمان شکنی، رفتار نابخردانه و پیروی از سنت‌های غلط را به دنبال دارد. تقارن این معضلات به فراگیر شدن ظلم و گناه در جامعه می‌انجامد و هلاک جامعه را در پی خواهد داشت.

د) هلاک در زمان مقرر واقع می‌شود ولی مردم از آن بی‌اطلاع هستند: مضمون دیگری که از آیات قرآن به دست آمد در مورد زمان وقوع هلاک است که معلوم شد، هلاک در موعد مقرر واقع می‌شود اما افراد جامعه با وجودی که نسبت به حتمی بودن وقوع آن آگاهی دارند اما از زمان دقیق آن را نمی‌دانند و علم به آن نزد خداوند محفوظ است.

منابع

علاوه بر قرآن کریم.

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، تصحیح: محمود محمد طناحی، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغه*، تصحیح عبد السلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، تحقیق: جمال الدین میر دامادی، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر - دار صادر.
۴. احمد حامد مقدم (۱۳۸۷)، *سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. بابا سیلا، سعید محمد (۲۰۰۰م)، *اسباب هلاک الامم السالفه كما وردت فی القرآن الکریم*، لیدز: مجله الحکمه.
۶. خنیفر، حسین، مسلمی، ناهید (۱۳۹۶)، *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: انتشارات نگاه دانش.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، چاپ اول، بیروت - دمشق: دارالقلم - الدار الشامیه.
۸. زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تصحیح: علی هلالی و علی شیری، بیروت: دارالفکر.
۹. زیدان، عبدالکریم (۱۹۹۳م)، *السنن الالهیه فی الامم و الجماعات و الافراد فی الشریعه الاسلامیه*، تهران: دار احسان.
۱۰. شیخ زاده، محمد، عابدی، جعفری حسن، تسلیمی، محمد سعید، فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی*، سال پنجم، (شماره دوم)، پاییز و زمستان، ص ۱۵۱-۱۹۸.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه اسماعیلیان.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، *مجمع البیان*، چاپ اول، بیروت: موسسه الاعلمی.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۱)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.

۱۵. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (۱۴۱۲ق)، *بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز*، تحقیق: عبدالعلیم الطحاوی، قاهره: وزارة الاوقاف.
۱۶. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم: مؤسسه دارالهجره.
۱۷. محمد عاشور، مجدی محمد (۲۰۰۶م)، *السنن الالهیه فی الامم و الافراد فی القرآن الکریم*، قاهره: دارالسلام.
۱۸. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۸)، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۹. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. مطرزی، ابوالفتح (۱۳۹۹ق)، *المغرب فی ترتیب المغرب*، تحقیق: محمود فاخوری، عبدالحمید مختار، چاپ اول، حلب.
۲۱. ولی پور، عبدالله؛ عابدینی، ناصر (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل انقراض تمدن‌ها از منظر قرآن مجید با بررسی مصادیق»، *مجله حسنا*، س ۶، ش ۲۲، پاییز.
22. Attrid-Stirling, J. (20021), ‘Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research’, *Qualitative Research*, Vol. 1, (No. 3), 2001, Pp. 385-40.
23. Patton, M.Q (1990), *Qualitative evaluation and research methods*, Thousand Oaks, CA: Sage.